

## بدهی‌های فکری: مفهومی نوین در تقابل با سرمایه‌های فکری

محمد نمازی<sup>۱</sup>

داریوش فروغی<sup>۲</sup>

سعید فرزادی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۰

### چکیده

در عصر فرا رقابتی امروز، سازمان‌ها با محیطی روبرو هستند که مشخصه آن افزایش پیچیدگی، جهانی شدن و پویایی است. از آنجا که سازمان‌ها برای استمرار و استقرار خود با چالش‌های نوینی مواجه هستند، برون رفت از این چالش‌ها مستلزم توجه بیشتر به توسعه و تقویت مهارت‌ها و توانایی‌های درونی است که این کار از طریق مبانی دانش سازمانی و سرمایه فکری صورت می‌گیرد و سازمان‌ها از آن‌ها برای رسیدن به عملکرد بهتر در دنیای کسب و کار استفاده می‌کنند. دانش و سرمایه فکری نیز به عنوان استراتژی‌های پایدار برای حصول و نگهداری مزیت رقابتی سازمان‌ها تشخیص داده شده است. با این وجود بررسی‌های اخیر حاکی از وجود پتانسیل‌های مخربی در درون سرمایه‌های فکری سازمان و ارزش ایجاد شده توسط آن به نام "بدهی‌های فکری" است. هدف از انجام این پژوهش بررسی مفهومی نوین به نام بدهی‌های فکری (ILs) در نقطه مقابل سرمایه‌های فکری است. بنابر این، این پژوهش از نوع توصیفی بوده و به دنبال ارائه چارچوبی نظام‌مند درباره مبحث بدهی‌های فکری است. در این چارچوب به تعریف، نحوه شناسایی و اندازه‌گیری مفهوم بدهی‌های فکری پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بدهی‌های فکری پتانسیل‌های بالقوه درون سرمایه‌های فکری است که موجب تخریب ارزش ایجاد شده توسط سرمایه‌های فکری می‌شود. همچنین وجود این نوع از بدهی‌ها در درون سازمان، کاهش ارزش شرکت و افزایش احتمال بروز ورشکستگی مالی شرکت‌ها را به دنبال دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سرمایه فکری، بدهی فکری، خلق ارزش، ارزش نامشهود.

۱- استاد و عضو هیئت علمی دانشکده حسابداری دانشگاه شیراز

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه اصفهان

۳- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه اصفهان (مسئول مکاتبات) Saeed\_isfahanuni@yahoo.com

## ۱- مقدمه

در طول دهه اخیر توجه به مبحث سرمایه فکری<sup>۱</sup> (IC) به دلیل کمک به مدیریت سازمان در راستای خلق ارزش و کسب سودآوری بیشتر، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است (گاتری و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). سرمایه فکری (IC) اغلب به عنوان دارایی-های نامشهود یا منابع دانش تعریف می‌شود که قادر به ایجاد ارزش برای شرکت‌ها و همچنین دستیابی و حفظ مزیت رقابتی برای آن‌ها می‌باشد. اعتقاد بسیاری از پژوهشگران از جمله نمازی و ابراهیمی (۱۳۸۸)، ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۲) و نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۰) در این زمینه این است که سرمایه فکری به سه جزء تجزیه می‌شود: (۱) سرمایه داخلی<sup>۱</sup> (۲) سرمایه خارجی<sup>۲</sup> (۳) سرمایه انسانی<sup>۳</sup>

سرمایه داخلی به دانش تعبیه شده در ساختار، فرآیندها، روش‌ها، برنامه‌های روزانه، سیستم‌ها و فرهنگ سازمان، اشاره دارد که توسط کارکنان به وجود می‌آید یا آورده می‌شود، اما هنگامی که کارکنان سازمان را ترک می‌کنند، این سرمایه همچنان در سازمان باقی می‌ماند. سرمایه خارجی به سرمایه تعبیه شده در روابط خارجی سازمان مانند فروشندگان کالا و مواد، مشتریان، شرکای تجاری و غیره اشاره دارد. سرمایه انسانی به دانش انفرادی مانند معلومات، مهارت‌ها، ارزش‌ها و تجربیات درون یک سازمان اشاره دارد که همراه با ترک کارکنان از سازمان خارج می‌شود. در عصر فعلی اطلاعات، سرمایه فکری به عنوان مهمترین محرک ایجاد ارزش برای شرکت‌ها، جایگزین دارایی‌های ثابت شده است (ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). در واقع پژوهشگران این حوزه بر این موضوع تاکید دارند که افزایش سرمایه‌های فکری در سازمان‌ها، مطلوبیت بیشتری را برای سازمان‌ها به همراه دارد (آندریسن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ دومای<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲؛ گاتری و همکاران، ۲۰۱۲؛ لو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱؛

موریتسن و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱). از سوی دیگر، برخی پژوهشگران نظیر آیسکرا (۲۰۰۳) و آندریسن (۲۰۰۴) بیان نموده‌اند که تصور وجود بیش از حد سرمایه‌های فکری در سازمان صحیح نیست، زیرا ایجاد و توسعه سرمایه فکری اثرات مثبت و حتی منفی گوناگونی را به دنبال دارد (کدی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰). در واقع، استدلال آن‌ها مبتنی بر این علت است که به دنبال توانایی سرمایه‌های فکری، در ایجاد ارزش و کمک به رشد سازمان، آسیب پذیری و نیز تعهداتی برای سهامداران به بوجود می‌آید (گارسیا و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹؛ هاروی و لوج<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۹).

مفهوم بدهی‌های فکری<sup>۳</sup> (ILs) معرف پتانسیل-هایی در سرمایه‌های فکری است که موجب تخریب ارزش خلق شده توسط سرمایه فکری می‌شود (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۹؛ ماجدالانی و ماناسیان<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۲؛ استام<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۹). مطابق پژوهش‌های صورت گرفته تا به امروز نظیر کانیانو و همکاران<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۰) و گارسیا و همکاران (۲۰۰۹)، مفهوم سرمایه فکری را می‌توان در حوزه خلق ثروت و دارایی‌های فکری مورد استفاده قرار داد، اما مفهوم بدهی‌های فکری مربوط به تخریب ارزش و ریسک‌های فکری یا تعهدات است. این در حالی است که تاکنون با وجود ارتباط بالقوه‌ای که بین مباحث بدهی‌های فکری و سرمایه‌های فکری وجود دارد (استام، ۲۰۰۹)، واقعیت مربوط به وجود بدهی‌های فکری در سازمان نادیده گرفته شده است. دومای (۲۰۱۳) با انجام پژوهشی نشان داد که بدهی‌های فکری یکی از بیشترین و واقع‌گرایانه‌ترین موضوعات مورد بررسی است که از ادبیات پژوهش‌های سرمایه فکری منشا می‌گیرد. با این حال تاکنون مطالعات محدودی در سطح جهان به صورت بررسی‌های ترکیبی به واکاوی موضوع بدهی‌های فکری (ILs) پرداخته اند.

می‌شود، بنابراین عینیت و اعتبار یافته‌ها در این شیوه افزایش می‌یابد (گاتری و همکاران، ۲۰۱۲).

پژوهش حاضر یک بررسی توصیفی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام می‌گردد. دلایل انتخاب این شیوه پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

ابتدا اینکه داده‌های اولیه برای این نوع از بررسی حاوی مجموعه متفاوتی از انواع پژوهش‌های غیرمشابه (تئوری، تجربی، پژوهش‌های مجالات، مقاله‌های همایش‌ها و غیره) است و ویژگی‌های متنوعی شامل تعاریف، موارد کاربرد، تفسیرها، پژوهش‌های تجربی و تعداد کمی از یافته‌های تئوریک را در بر می‌گیرد. بنابراین، استفاده از شیوه بررسی فراتحلیل برای هماهنگ نمودن یافته‌ها نامناسب است (کافمن و اشنایدار، ۲۰۰۴). دوم، اینکه با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش در زمینه ILS، با استفاده از شیوه فراتحلیل نمی‌توان نتایج معناداری را بدست آورد و در نتیجه تسلط کافی بر جنبه‌های حساس موضوع مورد بررسی بدست نمی‌آید. از جنبه دیگر از آن‌جا که هدف این پژوهش کسب شناخت نسبت به مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری ILS است، به جای پژوهش‌های پژوهشگر محور (وبستر و واتسون، ۲۰۰۲) و یا پارادایم محور (هوپر و پاول، ۱۹۸۵؛ رام و روهدا، ۲۰۰۷؛ رایان و همکاران، ۲۰۰۲)، از نوع پژوهش مفهوم محور استفاده شده است.

### ۳- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

به طور کلی در فرآیند بررسی بدهی‌های فکری، پژوهشگران از اصطلاحاتی نظیر "بدهی‌های فکری"، "بدهی‌های نامشهود"، "ریسک‌های سرمایه فکری"، "ریسک‌های نامشهود" و "بدهی‌های سرمایه فکری" استفاده کرده‌اند (سانتیس و گیولیانی، ۲۰۱۳). همچنین تا حدودی به معرفی اصطلاحاتی نظیر "اثرات منفی

بنابراین به دلیل نیاز به انجام بررسی‌های بیشتر بر روی بدهی‌های فکری، هدف از انجام این پژوهش ارزیابی الگوی بدهی‌های فکری و اجزاء آن است که در آن شفاف سازی، طبقه‌بندی، توصیف و تفسیر بدهی‌های فکری در راستای توسعه پژوهش‌های آتی انجام گیرد.

ساختار پژوهش حاضر بدین شرح است. ابتدا، روش مورد استفاده برای بررسی ادبیات پژوهش معرفی می‌شود. سپس، پژوهش‌های انجام شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و یافته‌های آن‌ها تفسیر می‌شوند. در ادامه انواع تعاریف بدهی‌های فکری و نحوه تشخیص آن ارائه می‌شود. بخش نهایی پژوهش، به جنبه‌های قابل اندازه‌گیری بدهی‌های فکری، بحث و ارائه نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

### ۲- روش‌شناسی پژوهش

در طول دهه اخیر شیوه‌های گوناگونی با اهداف معین و قالب‌های مشخص و نیز از جنبه‌های مختلف، درباره چگونگی ساختاربندی ادبیات یک پژوهش ارائه شده است؛ بررسی موردی پژوهش‌ها، فراتحلیل‌ها، بررسی‌های مفهوم محور، بررسی‌های پژوهشگر محور و غیره نمونه‌هایی از این شیوه‌ها هستند (کوپر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ وبستر و واتسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ هوپر و پاول<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵). در بررسی مفهوم سرمایه فکری، دو نوع شیوه بررسی وجود دارد: بررسی توصیفی و بررسی فراتحلیل (سانتیس و گیولیانی، ۲۰۱۳). در بررسی توصیفی، ابتدا کیفیت اطلاعات در دسترس تفسیر و سپس با یکدیگر ترکیب می‌شوند (کافمن و اشنایدر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ گاتری و همکاران، ۲۰۰۱؛ سیتارمن و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). از سوی دیگر، در بررسی فراتحلیل، شواهد بدست آمده از نتایج پژوهش‌های گوناگون با بهره‌گیری از روش‌های آماری ترکیب

بندی نمود: اول، به عنوان استهلاک و دوم، به عنوان تعهدات غیرپولی یا ریسک‌های مرتبط به IC سازمان (مجدلانی و ماناسیان، ۲۰۱۲: ۵۱۴). با وجود اینکه بررسی‌ها به منظور معرفی مفهوم بدهی‌های فکری در طول دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته است، همچنان کمبود پژوهش‌هایی که به اندازه‌گیری و مدیریت ILS در سازمان اختصاص داشته باشد، موجب ایجاد شکاف عمیقی بین مفهوم بدهی‌های فکری در سطح تئوری و عملی شده است. در واقع می‌توان ادعا نمود که مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای مربوط به شناسایی و اندازه‌گیری ILS هنوز در حد بیان تئوریک است. با این حال در نظر گرفتن جنبه دارایی IC، می‌تواند عاملی اساسی در ایجاد جریان پیوسته‌ای از پژوهش‌ها بر روی بدهی‌های فکری به شمار آورد.

بر ارزش" (کوگانسان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)، "سرمایه فکری منفی" (برانستروم و گیولیانی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹)، "محرک‌های دارای اثر منفی بر خلق ارزش" (ویدما مارتی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳)، "محرک‌های ضد خلق ارزش" (آبیسکرا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶)، "انگیزه و سرقتی منفی" (برانستروم و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹) یا "بدهی‌های استراتژیک" (آرند<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴) که مرتبط با مباحث سرمایه فکری است نیز پرداخته اند.

بررسی پژوهش‌های مربوط به روش‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری ILS نشان می‌دهد که این شیوه‌ها با توجه به روش‌های اندازه‌گیری IC و بر مبنای توجه به جنبه دارایی بودن IC پایه‌گذاری شده است (آندریسن، ۲۰۰۴؛ اسویبی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). در نتیجه، همانگونه که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، بر مبنای مفاهیم متعدد معرفی شده توسط پژوهشگران، ILS را می‌توان در دو طبقه اصلی طبقه-

جدول (۱). پژوهش‌های تحلیلی بر روی بدهی‌های فکری (ILS)

پژوهشگر	روش پژوهش	ابزار اندازه‌گیری	نحوه شناسایی	طبقه بندی
کدی (۲۰۰۰)	تئوریک	روش ارزیابی IL	اندازه‌گیری، تشخیص	استهلاک
کاپمن و فرولجا (۲۰۰۱)	-	-	تشخیص	مدل‌های آشفته ذهنی
کدی (۲۰۰۱)	تئوریک	-	اندازه‌گیری، تشخیص	علم رشد نیافته
پسو (۲۰۰۳)	مطالعه موردی	تعیین توسط ساختار سرمایه بهینه	اندازه‌گیری، تشخیص	ریسک‌های IC
آبیسکرا (۲۰۰۳)	تئوریک	کارت ارزیابی IC	اندازه‌گیری، تشخیص	استهلاک
آبیسکرا (۲۰۰۴)	تئوریک	-	اندازه‌گیری، تشخیص	عامل حساسی
کویی و همکاران (۲۰۰۸)	تجربی	ترسیم ریسک IC	اندازه‌گیری، تشخیص	ریسک‌های IC
استم (۲۰۰۹)	تئوریک	-	تشخیص	استهلاک
گارسیا و همکاران (۲۰۰۹)	تئوریک	مالیات بر بدهی‌های ترازنامه	اندازه‌گیری، تشخیص	تعهدات غیرپولی
مانپا و وتیلاین (۲۰۱۲)	تجربی	ابزار مدیریت در بیمه ریسک‌های سرمایه انسانی	اندازه‌گیری، تشخیص	ریسک‌های IC

منبع: سانتیس و گیولیانی (۲۰۱۲: ۲۱۵)

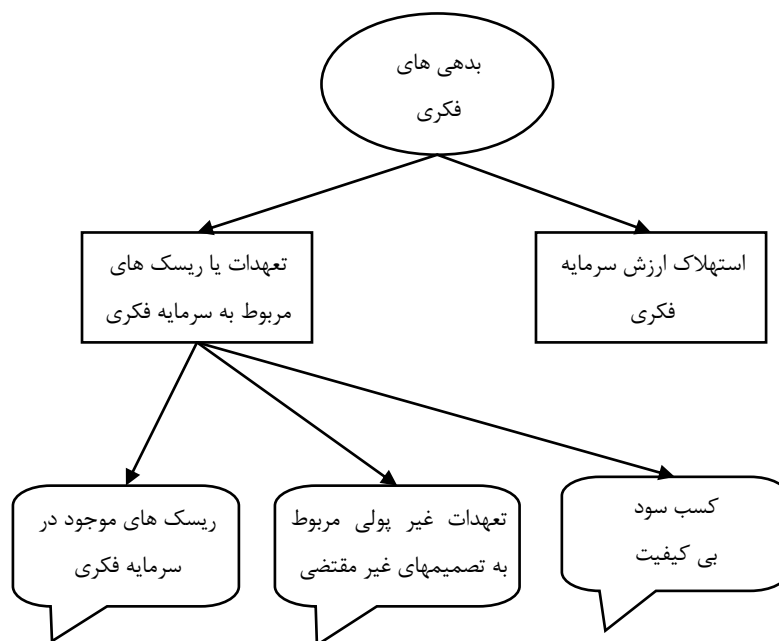
## تعریف و تشخیص بدهی فکری (IL)

شکل ۱ مفاهیم اصلی بدهی فکری را نشان می دهد. طبق این شکل، بدهی فکری را می توان با توجه به دو صورت زیرشناسایی کرد:

نخست اینکه ILS می تواند به عنوان استهلاکی از ارزش سرمایه های فکری (IC) سازمان در نظر گرفته شود (آیسیکرا، ۲۰۰۳؛ کدی، ۲۰۰۰) و دوم اینکه به عنوان ریسک ها یا تعهدات غیر پولی موجود در سرمایه های فکری شناسایی شود (گارسیا پارا و همکاران، ۲۰۰۹؛ هاروی و لوچ، ۱۹۹۹).

کدی و همکاران (۲۰۰۱) مفهوم "دانش رشد نیافته" را برای بدهی های فکری نیز مطرح نموده اند که در واقع به آنچه در درون سازمان از دست می رود

اشاره دارد. با این حال نمی توان مفهوم دانش رشد نیافته را برای IL در نظر گرفت، زیرا این مفهوم به عنوان اختلالات مستقیم بوجود آمده در افزایش ارزش شرکت ها شناخته شده و معیاری است که بیشتر به عنوان مانعی بر رشد پتانسیل های درون شرکت شناسایی می شود (کدی و همکاران، ۲۰۰۱). از سوی دیگر، کافمن و فرولجا (۲۰۰۱) مفهوم بدهی های فکری را به صورت "مدل های فکری معیوب" تعریف نموده اند که نشان دهنده "ناتوانی در اخذ تصمیمات موثر و شایسته درون سازمانی توسط کارکنان" است و می تواند پیامدهای نامطلوبی (مانند وجود اختلال در توسعه سرمایه انسانی شرکت ها) را به دنبال داشته باشد.



شکل (۱): مفاهیم اصلی بدهی های فکری

را به گونه ای غیر فعال (ناکارآمد) نموده و در نتیجه ارزش شرکت را کاهش دهد. در ادامه دو مفهوم اصلی بدهی های فکری مندرج در شکل (۱) مورد بحث و بررسی بیشتر قرار می گیرد.

سرانجام، آیسیکرا (۲۰۰۴) مفهوم "بدهی های حسی" را به عنوان عوامل حسی مطرح نمود که می تواند دارایی های فکری و دارایی های مشهود شرکت

### ۳-۱-۱- ILS به عنوان استهلاک ارزش IC

ILS را می‌توان به عنوان استهلاکی بر ارزش IC موجود در سازمان در نظر گرفت (آبیسکرا، ۲۰۰۳؛ آنون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ کدی، ۲۰۰۰). بر طبق این تعریف، تفاوت مثبت ارزش بازار و ارزش دفتری شرکت (ارزش خلق شده) را می‌توان به وجود سرمایه مشهود یا سرمایه فکری نسبت داد. وضعیت عکس این حالت را نیز می‌توان به عنوان بدهی‌های فکری در نظر گرفت (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۹: ۸۲۱). در نتیجه، اصطلاح اختلال در دارایی‌های فکری بدین صورت است که در واقع چه چیزی موجب تبدیل یک ایده خوب و مناسب درون سازمان، به ایده‌ای بد و مخرب می‌شود؟ (کدی، ۲۰۰۰: ۱۳۳). در این دیدگاه، IC به عنوان "سرمایه غیرقابل اندازه‌گیری" تعریف شده است که موجب ایجاد جریان‌های سودهای آتی برای شرکت می‌شود و در نقطه مقابل بدهی‌های فکری، نامشهود بوده و نیز قابلیت شناسایی در صورت‌های مالی را ندارد ولی موجب کاهش ارزش شرکت می‌شود (آبیسکرا، ۲۰۰۳: ۱۲).

این دیدگاه ریشه در مباحث حسابداری سرمایه فکری دارد، زیرا در راستای کمک به چگونگی ارائه IC و ILS در گزارش‌های مالی سالانه یا حداقل در اقلام پولی گام برمی‌دارد (آبیسکرا، ۲۰۰۳؛ کدی، ۲۰۰۰). به استناد پژوهش گارسیا و همکاران (۲۰۰۹)، در واقع این تعریف از ILS تمایل به فاصله گرفتن از تعریف کلاسیک بدهی‌ها دارد و بر مبنای تلاش برای شناسایی انگیزه‌ها و عوامل نامشهودی که موجب از دست رفتن ارزش شرکت می‌شود، قرار دارد. مثال-هایی از این عوامل را می‌توان فقدان تعهد و شایستگی کارمندان یا کمبود کارمندان کلیدی در شرکت ذکر نمود (کدی، ۲۰۰۰؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۰۹).

مزیت این شیوه شناسایی در این است که موجب افزایش آگاهی از وجود بدهی‌های فکری درون سازمان می‌شود. همچنین، مفهوم "IC خالص" نیز با استفاده از محاسبه بدهی‌های فکری به عنوان استهلاکی از IC مطرح می‌گردد. افزون بر این جنین رویکردی همانند رویکردهای سنتی حسابداری مالی بر مبنای گزارشگری واحد پولی رایج قرار دارد.

از سوی دیگر، مطابق این رویکرد بدهی‌های فکری فاقد ماهیتی مالکانه است (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۹). اغلب پژوهشگران در این مورد توافق دارند که طراحی و ارائه مدل‌های طبقه بندی شده‌ای که بتواند پدیده‌ای را به گونه‌ای کامل و قابل فهم توصیف کند، تقریباً غیرممکن است (گراجر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۷۰۶). در نتیجه، حتی اگر راهی برای گزارش بدهی‌های فکری در صورت‌های مالی وجود نداشته باشد، کسب برخی اطلاعات یکپارچه و کامل که بتواند نقاط سوال برانگیز را برطرف نماید، مفید است (گیولیانی و برانستروم، ۲۰۱۱). با توجه به اینکه این رویکرد بر ارزیابی مالی بدهی‌های فکری تمرکز دارد، مورد پذیرش بوده و در تقابل نظر با اغلب روش‌های اندازه‌گیری IC است که تمایل به رویکردی تحلیلی به جای حمایت از مباحث اندازه‌گیری و افشای آن دارد.

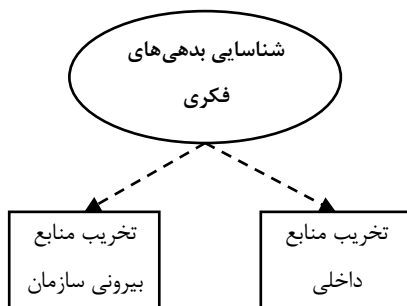
### ۳-۱-۲- ILS به عنوان تعهدات یا ریسک‌های

#### مربوط به سرمایه‌های فکری

در این بخش، طبق شکل (۱) سه زیرشاخه از تعریف بدهی‌های فکری به عنوان تعهدات یا ریسک‌های مربوط به سرمایه‌های فکری ارائه می‌گردد:

نخست، تعریف ILS به عنوان عامل پذیرش شرکت در انتقال منابع اقتصادی یا ارائه خدمات به دیگر واحدهای اقتصادی که ناشی از عدم بهره‌گیری

به عواملی ارتباط پیدا می‌کند که در بیرون سازمان (نظیر رویداد غیرمنتظره و بدهی‌های بازار) و خارج از کنترل سازمان است. شکل ۲ اجزاء کلی مدل را نشان می‌دهد.



شکل (۲): مدل شناسایی بدهی‌های فکری استم (۲۰۰۹:۱۱)

رویکرد دیگر در طبقه‌بندی ILS توسط کویی و همکاران (۲۰۰۸) و برنالد و دروست (۲۰۱۲) مطرح شده است. آن‌ها در پژوهش خود به ارائه مدل‌هایی بر مبنای تقسیم‌بندی سه گانه IC بر مبنای انسان، ساختار و روابط می‌پردازند. در واقع به منظور شناسایی و طبقه‌بندی ریسک‌های ممکن موجود در هر طبقه از IC پژوهشگران تفاوت‌هایی را بین ریسک مربوط به سرمایه انسانی، ریسک‌های سرمایه روابط و ریسک‌های ساختاری در نظر می‌گیرند. مطابق این دیدگاه اگر سرمایه‌گذاری در سرمایه فکری بتواند بهره‌وری سازمان را افزایش دهد، به همان میزان کاهش‌های اساسی در منابع IC نیز تهدیدی جدی برای کارایی عملیاتی سازمان است. اختلاف این رویکرد با دیگر رویکردها در این است که حتی اگر اندازه‌گیری ILS بر مبنای اصول مربوط به دفترداری دوطرفه باشد، می‌تواند به گونه‌ای مجزا از دارایی‌های فکری (IAS) ارزیابی و به عنوان قلمی منحصراً بفرود آورده شود. شکل ۳ اجزاء مدل کویی و همکاران را نشان می‌دهد.

مناسب از سرمایه‌های فکری موجود در سازمان و به عبارتی نشان دهنده کسب سودهای بی‌کیفیت است (هاروی و لوئچ، ۱۹۹۹)، دوم تعریف ILS به عنوان تعهدات غیر پولی که مربوط به تصمیمات غیرمقتضی رفتاری در زمان حال و گذشته است (گارسیا و پارا، ۲۰۰۹)، و سوم در نظر گرفتن ILS به عنوان ریسک‌های موجود در سرمایه فکری سازمان (برنالد و دروست، ۲۰۱۲؛ کویی و همکاران، ۲۰۰۸؛ پاسو، ۲۰۰۳؛ روزت، ۲۰۰۳).

عامل اصلی تمرکز بر ILS به عنوان تعهدات یا ریسک‌های موجود در سرمایه فکری سازمان و نه به عنوان استهلاک سرمایه فکری می‌تواند توجه به اندازه‌گیری برای اهداف مدیریتی باشد. در این رویکرد، همانگونه که برنالد و دروست (۱۹:۲۰۱۲) استدلال نمودند، برای اینکه سرمایه‌های فکری شرکتی مدیریت شود، مدیران نیاز به درک جامعی از ریسک‌های مربوط به IC موجود در سازمان و پتانسیل‌های پیاده‌سازی آن در شرکت دارند. از آنجا که در دیگر رویکردهای شناسایی بدهی‌های فکری از مدل طبقه‌بندی شده‌ای استفاده نشده است، در این رویکرد نیز نمی‌توان انتظار ارائه مدلی جامع داشت. در این حالت می‌توان ILS را در دو گروه داخلی و بیرونی طبقه‌بندی نمود و سپس آن‌ها را به عنوان پدیده‌ای فرآیندی، انسانی، اطلاعاتی و یا ساختاری (قراردادی) در نظر گرفت. هاروی و لوئچ (۱۹۹۹) نمونه‌ای از این رویکرد را نشان می‌دهند.

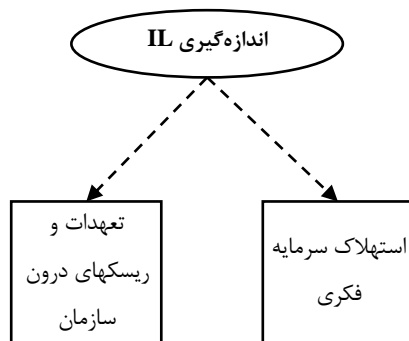
در راستای این رویکرد شناختی، استم (۲۰۰۹) با انجام پژوهشی با ترکیب مفروضات داخلی و بیرونی به کار رفته در پژوهش هاروی و لوئچ (۱۹۹۹) از مدلی استفاده نمود که در آن شناسایی بدهی‌های فکری به نابودی منابع خلق ارزش در درون سازمان (نظیر سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطات) باز می‌گردد، در حالی که بخش بیرونی آن

درون سازمان و سپس محاسبه ریسک‌های ممکن مربوط به هر یک از این عوامل و ارائه این ارقام به گونه ای مجزا در گزارش‌های همراه صورت‌های مالی می‌باشد.

#### ۴- اندازه‌گیری IL

یکی از مسایل دشوار مربوط به بحث بدهی‌های فکری، اندازه‌گیری ارقام آن است. شکل ۴ روش‌های پیشنهادی ما را برای اندازه‌گیری بدهی‌های فکری، که مبتنی بر مطالعات مختلف است، نشان می‌دهد. طبق شکل ۴ بدهی‌های فکری را می‌توان به دو شیوه اندازه گرفت:

- ۱) اندازه‌گیری به عنوان استهلاک (کاهش ارزش) ارزش سرمایه فکری.
- ۲) اندازه‌گیری توسط تعهدات یا ریسک‌های درون سازمانی.

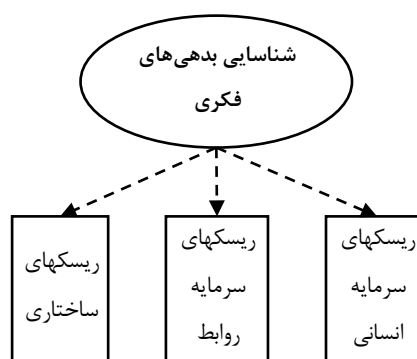


شکل (۴): شیوه‌های اندازه‌گیری بدهی‌های فکری

#### ۴-۱- اندازه‌گیری IL به عنوان استهلاک (کاهش

#### ارزش) ارزش سرمایه فکری

برخی پژوهشگران نظیر کدی (۲۰۰۰) و آبیسکرا (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که اندازه‌گیری ILs با در نظر گرفتن مفهوم کلی آن به عنوان کاهش ارزش سرمایه‌های فکری شرکت و به گونه‌ای تحلیلی، منجر



شکل (۳): مدل شناسایی بدهی‌های فکری بر مبنای ریسک‌های سازمان (کویی و همکاران، ۲۰۰۸:۵)

در مقایسه با رویکردی که ILs را به عنوان استهلاک IC به شمار می‌آورد، این رویکرد قابلیت تجزیه و تحلیل بیشتری دارد. افزون بر این، از آنجا که یکی از تعاریف اصلی ILs مربوط به ریسک‌های IC سازمان است، دو موضوع مهم در این زمینه وجود دارد. ابتدا تلاش برای طراحی مفاهیم نوین، روش‌ها و ابزارهای شناسایی که اغلب ریشه در افشای IC موجود در سازمان دارد و دوم، تلاش برای پذیرش مفاهیم، روش‌ها و ابزارهایی که از ریسک‌های اندازه-گیری و ریسک مدیریت بدست می‌آید. اساس این رویکرد مباحث IC بوده و متمایل به تشخیص ارقام و طراحی مدل‌های طبقه بندی شده بدهی‌های فکری بر مبنای جنبه دارایی و با تکیه بر تفاوت‌های بین انسان، ساختار و روابط در سازمان است. در واقع این رویکرد به منظور ایجاد سازگاری بیشتر میان جنبه‌های مثبت (مربوط به منابع سرمایه فکری) و منفی (مربوط به تعهدات) سرمایه‌های فکری اتخاذ شده است و به رویکرد گزارشگری سنتی بر مبنای دارایی، بدهی و حقوق صاحبان سرمایه نیز باز می‌گردد. نحوه عمل در این رویکرد با تکیه بر تعیین سرمایه‌های انسانی، روابط و ساختاری درون سازمان به عنوان جنبه‌های موثر در رشد موفقیت و شاخص‌های ایجاد ارزش



مناسب تنزیل شده است) در نتیجه‌ی شکست این پروژه سرمایه‌گذاری می‌باشد.

این شیوه اندازه‌گیری شامل مجموعه‌ای از مولفه‌های گوناگون است که برخی از اجزای آن نیاز به برآورد دارد. نظر به اینکه این شیوه اندازه‌گیری IL وابسته به مفهوم IC و اندازه‌گیری صحیح آن است، برای نیازهای مدیران در زمینه گزارشگری و کنترل سودمند عملکرد کارکنان مفید نخواهد بود (کاپلن و نورتون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲).

با وجود اینکه روش‌های شناسایی شده تاکنون برای اندازه‌گیری بدهی‌های فکری بسیار پیچیده به نظر می‌رسد، ایده‌ی گزارشگری ILs در صورت‌های مالی سالانه مناسب است، زیرا عدم توجه به این موضوع در مواردی منجر به ورشکستگی شرکت می‌شود (هاروی و لوس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹) و بروز مشکلات مالی جدی را نیز موجب می‌گردد (پاسو، ۲۰۰۳). بنابراین ارائه آن در صورت‌های مالی اساسی شرکت‌ها به عنوان قلمی مهم در تصمیم‌گیری‌ها موجب شفافیت بیشتر وضعیت مالی شرکت‌ها می‌شود.

آییسکرا (۲۰۰۳) در پژوهش خود با عنوان "حسابداری برای دارایی‌های فکری و بدهی‌های فکری" شیوه تکاملی از اندازه‌گیری بدهی‌های فکری را بوسیله‌ی کارت امتیازی IC نیز ارائه می‌نماید. شکل ۵ نمونه‌ای از این مورد را نشان می‌دهد

به نتایج غیرقابل اتکایی در این زمینه می‌شود. از اینرو باید مفاهیم IC و ILs به گونه‌ای به هم پیوسته در نظر گرفته شوند تا رویکردی کل نگر در راستای اندازه‌گیری ILs به صورت زیر اتخاذ گردد:

"مجموعه از دانش‌های کسب شده که می‌تواند در یک زمان معین به عنوان عوامل تفاوت بین ارزش بازار و خالص ارزش دفتری سرمایه‌های فکری شناسایی شود" (آییسکرا، ۲۰۰۳: ۹). در نتیجه، نمی‌توان به گونه‌ای مجزا بر IC و ILs تمرکز نمود. تاکنون اتفاق نظر در میان پژوهش‌های انجام شده بر روی سرمایه فکری نشان می‌دهد که خالص IC مثبت پس از کسر استهلاک (ILs)، ذخیره IC و خالص IC منفی پس از کسر استهلاک (ILs)، فقدان IC نامیده می‌شود (آییسکرا، ۲۰۰۳: ۱۰).

با اینکه اندازه‌گیری مفهوم ILs در مجموع به سختی امکان پذیر است، کدی (۲۰۰۰) نشان داد که می‌تواند درک و اندازه‌گیری کاهش ارزش ناشی از وجود آن را تسهیل نماید، مانند در نظر گرفتن حالتی که بدهی‌های شرکت، نشان‌دهنده شکست پروژه‌هایی با سرمایه‌گذاری مقادیر مشخصی پول در آن و مربوط به نقص در سرمایه‌های فکری موجود در سازمان است. در این حالت، شاخصی از ارزیابی بدهی‌های فکری را می‌توان به صورت رابطه شماره (۱) زیر ساختار بندی نمود:

$$\text{IL} = y + z + a \quad \text{رابطه (۱)}$$

در این رابطه:

IL: بدهی‌های فکری؛

y: مبالغ به کار گرفته شده در سرمایه‌گذاری؛

z: هزینه‌های جایگزینی پروژه

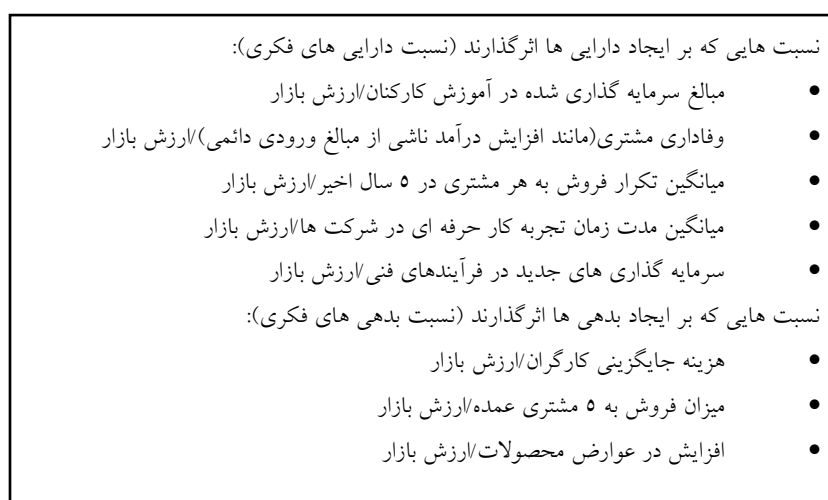
و a برآوردی از مجموع هزینه فرصت از دست رفته (شامل هزینه‌های فرصت از دست رفته‌ی کنونی و نیز هزینه‌ی فرصت از دست رفته آتی که به گونه‌ای



شکل (۵): اندازه گیری بدهی های فکری بر مبنای حسابداری سنتی توسط کارت امتیازی IC (آیسیکرا، ۲۰۰۳: ۶)

منفی وارده بر سرمایه های فکری شرکت، اقدام به اندازه گیری ILS به عنوان عاملی کاهشده بر سرمایه های فکری می کند. شکل ۶ نمونه ای از اندازه گیری بدهی های فکری در ترازنامه را نشان می دهد.

همچنین وی گزارشگری یکپارچه سرمایه های فکری در درون گزارشگری صورت های مالی اصلی شرکت (مانند صورت سود و زیان، ترازنامه و صورت جریان وجوه) را مطرح و بر مبنای تاثیرات مثبت و



شکل شماره ۶- نمونه ای از اندازه گیری بدهی های فکری در ترازنامه (آیسیکرا، ۲۰۰۳: ۸)

مناسب و سودمند از فرصت‌ها توجه دارد (کوپی و همکاران، ۲۰۰۸). در هر حال مدیریت بدهی‌های فکری می‌تواند به منظور درک بهتر و توسعه سرمایه‌های فکری به عنوان آنچه که به گونه‌ای مناسب نیاز به مدیریت دارد، مفید واقع شود.

ویژگی نامشهود بودن بدهی‌های فکری طبق این طبقه‌بندی، اندازه‌گیری آن را با دشواری رو به رو می‌سازد که این موضوع به چند دلیل اتفاق می‌افتد:

نخست کمبود معیارهای قابل آزمون و نیز قابل اتکاء برای اندازه‌گیری بدهی‌های فکری. در نتیجه نیاز به چندین ابزار تشخیصی به منظور تعیین میزان بدهی‌های فکری وجود دارد. از سوی دیگر اطلاعات بدست آمده درباره سرمایه‌های فکری سازمان نیز فاقد قابلیت مقایسه با اطلاعات بدست آمده از بدهی‌های فکری سازمان هستند. بنابراین، صورت فرضی سرمایه‌های فکری از دو بخش کاملاً مجزا و متفاوت تشکیل می‌شود. در واقع معیارهایی که در این طبقه بندی برای اندازه‌گیری بدهی‌های فکری استفاده می‌شوند نظیر دوره تصدی کارمندان، نسبت مشتریان عمده و غیره بر مبنای داده‌های به کار رفته در اندازه‌گیری سرمایه‌های فکری از جمله اندازه‌گیری بر مبنای میزان کارایی کارکنان، توان حفظ مشتریان و غیره قرار دارد.

دوم اینکه ریسک مدیریت سرمایه‌های فکری که به عنوان جزئی از وظایف مربوط به مدیران است با ریسک بهره‌مندی از توان مدیریت مدیران متفاوت بوده و ریسک مدیران به تنهایی به عنوان ریسک‌های نهفته در درون سرمایه‌های فکری سازمان شناسایی نمی‌شود (کوپی و همکاران، ۲۰۰۸).

سوم، کمبود درک لازم مدیریت از آنچه که باعث می‌شود بدهی‌های فکری در درون سازمان در راستای تخریب ارزش‌های ایجاد شده به وجود آید (گیولیانی، ۲۰۱۲) و موجب می‌گردد که مدیران کمتر به بحث و

در مجموع اندازه‌گیری بدهی‌های فکری به عنوان استهلاک سرمایه‌های فکری، بطور بالقوه همسو با چارچوب تئوریک حسابداری موجود است، اما بنظر می‌رسد این شیوه اندازه‌گیری دارای محدودیت‌هایی نظیر فزونی مخارج اندازه‌گیری نسبت به منافع ناشی از آن و در نتیجه سودمندی اندازه‌گیری نیز باشد.

#### ۴-۲- اندازه‌گیری IIs به عنوان تعهدات یا ریسک‌ها

اندازه‌گیری بدهی‌های فکری را میتوان با استفاده از تعیین تعهدات و یا ریسک‌های مربوط به سرمایه فکری در درون سازمان نیز انجام داد. در این شیوه، مدل‌هایی که به اندازه‌گیری بدهی‌های فکری به عنوان ریسک‌های درون سازمان پرداخته‌اند، نظیر مدل اندازه‌گیری بر مبنای کارت ارزیابی حسابداری فکری (آییسکرا، ۲۰۰۳: ۶)، بر ارائه معیارهایی به منظور درک تفاوت موجود در تعریف IIs به عنوان قلمی فاقد تعیین ارزش پولی تمرکز دارند. در نتیجه این مدل‌ها بر مبنای تجزیه و تحلیل معیارهای غیرمالی قرار دارند. پژوهش‌هایی که بر مبنای این مفهوم قرار دارند، بر مبنای این سوال اساسی در مدیریت سازمان شکل گرفته اند که "شما آنچه را که اندازه‌گیری می‌کنید، مدیریت خواهید نمود" (کاپلن و نورتون، ۱۹۹۲: ۷۷).

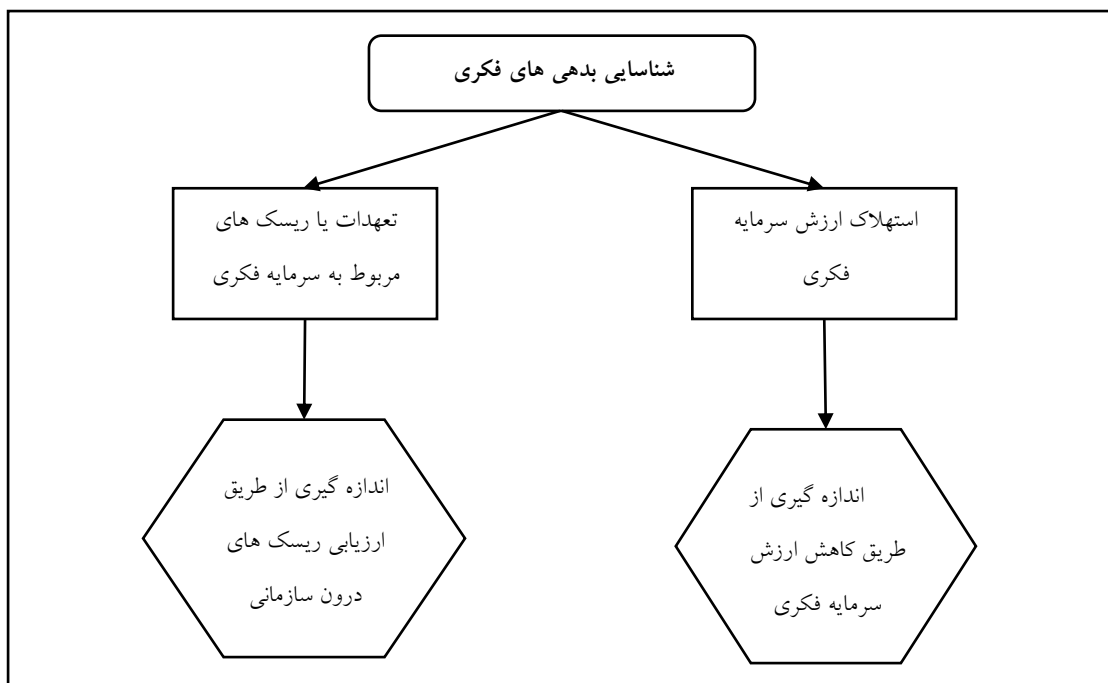
در نتیجه از آنجا که ریسک‌های درون سازمان قابلیت اندازه‌گیری نداشته و به لحاظ فنی قابل پیشگیری نخواهند بود، نمی‌توان آن‌ها را اندازه‌گیری و مدیریت نمود (کوپی و همکاران، ۲۰۰۱). طبق این دیدگاه اگرچه ارزیابی ریسک‌ها به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود ولی شرکت‌ها نیاز به ارزیابی فعالانه وجود این نوع ریسک‌ها در درون سازمان و ایجاد طرحی برای انجام فعالیت‌های روزمره به منظور دستیابی به موفقیت دارند (کاهکونن، ۲۰۰۱). بنابراین مدیریت ریسک‌های نامشهود علاوه بر تاکید به حداقل‌سازی ریسک‌ها و کارایی هزینه‌ها، بر اطمینان از استفاده

گفتگو پیرامون احتمال وجود بدهی‌های فکری در درون سازمان پرداخته و خود را نسبت به آن تجهیز ننمایند. این عوامل نیاز به وضع قوانین لازم در مورد سرمایه‌های فکری را تذکر می‌دهد (دومای و رونی، ۲۰۱۱).

#### ۵- نتیجه‌گیری و بحث

هدف اصلی این پژوهش معرفی یک چهار چوب توصیفی از اجزاء بدهی‌های فکری بود. در این راستا، این پژوهش به بحث و معرفی مفهومی‌نویین به نام "بدهی‌های فکری" در نقطه مقابل سرمایه‌های فکری درون سازمان پرداخته شد. این مفهوم مربوط به تخریب ارزش خلق شده توسط سرمایه‌های فکری و ریسک‌های مربوط به سرمایه‌های فکری یا تعهدات درون سازمان است و ارتباط تنگاتنگی با مفهوم

سرمایه‌های فکری دارد. با این حال تاکنون واقعیتی به نام احتمال وجود بدهی‌های فکری در سازمان نادیده گرفته شده است. این مقاله دو تعریف اصلی از مفهوم بدهی‌های فکری (ILs) را ارائه نمود: نخست اینکه ILs به عنوان استهلاکی از ارزش سرمایه‌های فکری (IC) در درون سازمان به شمار می‌رود و دوم اینکه به عنوان ریسک‌های وجود سرمایه‌های فکری و یا تعهدات غیرپولی موجود در سرمایه‌های فکری شناسایی می‌شود. همچنین دو روش عمده جهت اندازه‌گیری بدهی‌های فکری عرضه شد: (۱) اندازه‌گیری IL به عنوان استهلاک (کاهش ارزش) ارزش سرمایه فکری. (۲) اندازه‌گیری IL به عنوان تعهدات یا ریسک‌ها. شکل ۷ اجزاء مدل پیشنهادی را نشان می‌دهد.



شکل (۷): چهارچوب پیشنهادی پژوهش

جدول (۲): خلاصه نتایج پژوهش

بدهی‌های فکری سازمان	شیوه شناسایی در مفهوم بکاررفته
استهلاک (کاهش ارزش) سرمایه‌های فکری	شناسایی عوامل موثر در تخریب ارزش ایجاد شده توسط سرمایه‌های فکری
تعهدات یا ریسک‌های مربوط به سرمایه‌های فکری	شناسایی به عنوان پدیده ای ناشی از ریسک‌های سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطات

در جدول شماره (۲) خلاصه ای از نتایج پژوهش در زمینه شناسایی و معرفی انواع مفاهیم بدهی‌های فکری سازمان را ارائه می‌کند.

با وجود ارائه مدل‌های گوناگونی که به منظور اندازه گیری این نوع بدهی‌ها در درون سازمان می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، همچنان اندازه گیری این نوع بدهی‌های مخرب در درون سازمان با دشواری‌هایی رو به رو است. این پژوهش چهارچوب نظری مفیدی را به منظور درک عوامل پنهان موثر در کاهش بازدهی و انگیزه‌های کارمندان درون سازمان و همچنین توانایی تبدیل دانش نهفته در سازمان به ارزش سهام به عنوان بخشی از عوامل غیرمالی تاثیرگذار فراهم آورد. نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های پژوهش آبیسکرا (۲۰۰۳) و (۲۰۰۴) مبنی بر شناسایی بدهی‌های فکری به عنوان عامل مخرب انواع گوناگون سرمایه‌های فکری سازمان است. نتایج پژوهش شواهد لازم جهت ارائه پیشنهادت زیر را فراهم نمود:

- اهمیت شناسایی بدهی‌های فکری برای عملکرد مالی بیانگر ضرورت بکارگیری بهتر مدیریت دانش در شرکت‌ها است. همچنین این پژوهش لزوم توجه ویژه به سرمایه‌های انسانی و داخلی را به جهت آسیب پذیری بیشتر نسبت به سرمایه‌های خارجی سازمان نشان می‌دهد.
- سازمان بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌ها را ملزم به ارائه اندازه گیری‌ها و ارزیابی خود از بدهی‌های فکری کند تا بدین وسیله ارزیابی

عملکرد مدیران شرکت به ویژه در زمینه مدیریت دانش بهتر صورت گرفته و در نتیجه تصمیم‌های بهتری بگیرند.

با توجه به معرفی بدهی‌های فکری به عنوان واقعیتی مخرب در درون سازمان و لزوم اهمیت ویژه به آن، موضوع‌های گوناگونی در این زمینه وجود دارند که برای انجام پژوهش‌های آتی می‌توانند با اهمیت باشند. بنابراین توصیه می‌شود:

- بر مبنای پژوهش حاضر به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود احتمال و میزان تاثیرگذاری بدهی‌های فکری سازمان بر ایجاد بحران‌های مالی در سطح سازمان و اقتصاد را بررسی نمایند.
- پیشنهاد می‌شود نقش استفاده از بیمه در مدیریت ریسک سرمایه‌های فکری درون سازمان و کاهش اثرات مخرب بدهی‌های فکری بررسی گردد.
- به مدیران سازمان‌ها توصیه می‌گردد در اتکاء به سرمایه‌های فکری درون سازمان نقش مخرب وجود بدهی‌های فکری در کاهش ارزش ایجاد شده توسط انواع سرمایه‌های فکری درون سازمان را در نظر بگیرند.

#### فهرست منابع

- \* ایزدی نیا، ناصر؛ ایمانی، کریم و روح الهی، وحید (۱۳۹۲). "چارچوب نظری جامع برای افشای داوطلبانه سرمایه فکری". فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی. چاپ ۲۷. ص ۱۷-۳۳.

- \* Burnold, J. and Durst, S. (2011), "Intellectual capital risk management: an explorative study in a multinational company", paper presented at the IFKAD – International Forum on Knowledge Asset Dynamics, June, Tampere, available at: [www.knowledgeasset.org/IFKAD/Proceedings](http://www.knowledgeasset.org/IFKAD/Proceedings) (accessed 23 November 2012).
- \* Burnold, J. and Durst, S. (2012), "Intellectual capital risks and job rotation", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 13 No. 2, pp. 178-195.
- \* Caddy, I. (2000), "Intellectual capital: recognizing both assets and liabilities", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 1 No. 2, pp. 129-146.
- \* Caddy, I. (2001), "Orphan knowledge: the new challenge for knowledge management", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 2 No. 3, pp. 236-245.
- \* Caddy, I., Guthrie, J. and Petty, R. (2001a), "Managing orphan knowledge: current Australasian best practice", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 2 No. 4, pp. 384-397.
- \* Caddy, I., Guthrie, J. and Petty, R. (2001b), "Orphan knowledge potential: an exploration of current Australasian practice in the management of intellectual capital", paper presented at the APIRA 2001, Third Asian Pacific Interdisciplinary Research in Accounting Conference, 15- 17 July, Adelaide, available at: [www.apira2013.org/](http://www.apira2013.org/) (accessed 23 November 2012).
- \* Canˆibano, L., Garcı´a-Ayuso, M. and Sa´nchez, P. (2000), "Accounting for intangibles: a literature review", *Journal of Accounting Literature*, Vol. 19, pp. 102-130.
- \* Chapman, J.A. and Ferfolja, T. (2001), "Fatal flaws: the acquisition of imperfect mental models and their use in hazardous situations", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 2 No. 4, pp. 398-409.
- \* Claessen, E. and Durst, S. (2011), "Knowledge assets and risk in early stage firms", paper presented at the IFKAD – International Forum on Knowledge Asset Dynamics, June, Tampere, available at: [www.knowledgeasset.org/IFKAD/Proceedings](http://www.knowledgeasset.org/IFKAD/Proceedings) (accessed 26 August 2011).
- \* Cooper, H. (1998), *Synthesizing Research*, 3/e, Sage Publications, Thousand Oaks, CA.
- \* Cuganesan, S. (2005), "Intellectual capital-in-action and value creation. A case study of knowledge transformation in an innovation
- \* نمازی، محمد و شهلا ابراهیمی (۱۳۹۰). "بررسی تجربی نقش اجزای سرمایه ی فکری در ارزیابی عملیات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" مجله پیشرفت های حسابداری. چاپ ۶۱. ص ۱۶۳-۱۹۷.
- \* نمازی، محمد و شهلا ابراهیمی (۱۳۸۸). "بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی جاری و آینده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی. چاپ ۹. ص ۱-۲۲.
- \* Abeysekera, I. (2003a), "Accounting for intellectual assets and intellectual liabilities", *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, Vol. 7 No. 3, pp. 7-14.
- \* Abeysekera, I. (2003b), "Intellectual accounting scorecard – measuring and reporting intellectual capital", *The Journal of American Academy of Business*, Vol. 3 No. 1, pp. 422-427.
- \* Abeysekera, I. (2004), "The role of emotional assets and liabilities in a firm", *Journal of Human Resource, Costing & Accounting*, Vol. 8 No. 1, pp. 35-44.
- \* Abeysekera, I. (2006), "The project of intellectual capital disclosure: researching the research", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 7 No. 1, pp. 61-77.
- \* Ahonen, G. (2009), "On the mystery of odd human capital values", *Journal of Human Resource, Costing and Accounting*, Vol. 13 No. 2, pp. 118-124.
- \* Andriessen, D.G. (2004), *Making Sense of Intellectual Capital*, Butterworth-Heinemann, Burlington, MA.
- \* Arend, R.J. (2004), "The definition of strategic liabilities, and their impact on firm performance", *Journal of Management Studies*, Vol. 41 No. 6, pp. 1004-1027.
- \* Braˆnnstroˆm, D. and Giuliani, M. (2009), "Accounting for intellectual capital: a comparative analysis", *VINE: The Journal of Information and Knowledge Management Systems*, Vol. 39 No. 1, pp. 68-79.
- \* Braˆnnstroˆm, D., Catasˆs, B., Groˆjer, J.-E. and Giuliani, M. (2009), "Construction of intellectual capital – the case of purchase analysis", *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, Vol. 13 No. 1, pp. 61-76.

- \* Harvey, M.G. and Lusch, R.F. (1999), "Balancing the intellectual capital books Intangible liabilities", *European Management Journal*, Vol. 17 No. 1, pp. 85-92.
- \* Hopper, T. and Powell, A. (1985), "Making sense of research into the organizational and social aspects of management accounting: A review of its underlying assumptions", *Journal of Management Studies*, Vol. 22 No. 5, pp. 429-465.
- \* Ka'hko'nen (2001), "Integration of risk and opportunity thinking in projects", paper presented at the 4th European Project Management Conference, PMI Europe 2001, 6-7 June, London, available at: [www.pmir.com/html/pmdatabase/file/article/s/kahkonen.pdf](http://www.pmir.com/html/pmdatabase/file/article/s/kahkonen.pdf) (accessed 22 June 2012).
- \* Kaplan, R.S. and Norton, D.P. (1992), "The balanced scorecard – measures that drive performance", *Harvard Business Review*, Vol. 70 No. 1, pp. 71-79.
- \* Kaufmann, L. and Schneider, Y. (2004), "Intangibles. A synthesis of current research", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 5 No. 3, pp. 366-388.
- \* Kupi, E., Sillanpa'a', V. and Iloma'ki, S.K. (2008), "Risk management of intangible assets", paper presented at the IFKAD – International Forum on Knowledge Asset Dynamics, 26-27 June, Matera, available at: [www.knowledgeasset.org/IFKAD](http://www.knowledgeasset.org/IFKAD) (accessed 26 August 2011).
- \* Lev, B. (2001), *Intangibles: Management, Measurement and Reporting*, Brookings Institution Press, Washington, DC.
- \* Ma'empa'a', I. and Voutilainen, R. (2012), "Insurances for human capital risk management in SMEs", *VINE: The Journal of Information and Knowledge Management Systems*, Vol. 42 No. 1, pp. 52-66.
- \* Majdalany, G. and Manassian, A. (2012), "Voluntary disclosure of intellectual assets and intellectual liabilities: A literature review", in Surakka, J.E. (Ed.), *Proceedings of the 4th European Conference on Intellectual Capital (ECIC)*, Arcada University of Applied Sciences, Helsinki, Finland, 23-24 April, Academic Publishing International Limited, pp. 509-517.
- \* Marr, B. and Chatzkel, J. (2004), "Intellectual capital at the crossroads", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 1 No. 4, pp. 122-141.
- \* Passov, R. (2003), "How much cash does your company need?", *Harvard Business Review*, Vol. 81 No. 11, pp. 119-128.
- process", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 6 No. 3, pp. 357-373.
- \* Cuganesan, S., Boedker, C. and Guthrie, J. (2007), "Enrolling discourse consumers to affect material intellectual capital practice", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 20 No. 6, pp. 883-911.
- \* Dumay, J. (2012), "Grand theories as barriers to using IC concepts", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 13 No. 1, pp. 4-15.
- \* Dumay, J. (2013), "The third stage of IC: towards a new IC future and beyond", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 14 No. 1, pp. 5-9.
- \* Dumay, J. and Rooney, J. (2011), "'Measuring for managing?' An IC practice case study", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 12 No. 3, pp. 344-355.
- \* Edvinsson, L. (1997), "Developing intellectual capital at Skandia", *Long Range Planning*, Vol. 30 No. 3, pp. 366-373.
- \* Garcia Ayuso, M. (2003), "Factors explaining the inefficient valuation of intangibles", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 16 No. 1, pp. 57-69.
- \* Garcia-Parra, M., Simo, P., Sallan, J.M. and Mundet, J. (2009), "Intangible liabilities: Beyond models of intellectual assets", *Management Decision*, Vol. 47 No. 5, pp. 819-830.
- \* Giuliani, M. (2012), "The creation and destruction of value: The intellectual capital cycles", paper presented at the 4th European Conference on Intellectual Capital, Helsinki, available at: <http://academic-conferences.org/ecic/ecic2012/ecic12-home.htm> (accessed 22 June 2012).
- \* Giuliani, M. (2013), "Not all sunshine and roses: investigating intellectual liabilities 'in action' ", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 14 No. 1, pp. 127-144.
- \* Giuliani, M. and Brannstrom, D. (2011), "Defining goodwill: A practice perspective", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 9 No. 2, pp. 161-175.
- \* Guthrie, J., Petty, R. and Johanson, U. (2001), "Sunrise in the knowledge economy: managing, measuring, and reporting intellectual capital", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 14 No. 4, pp. 365-384.
- \* Guthrie, J., Ricceri, F. and Dumay, J. (2012), "Reflections and projections: A decade of intellectual capital accounting research", *British Accounting Review*, Vol. 44 No. 2, pp. 68-82.

یادداشت‌ها

1. Intellectual Capital
2. Guthrie et al.
3. Internal Capital
4. External Capital
5. Human Capital
6. Andriessen
7. Dumay
8. Lev
9. Mouritsen et al.
10. Caddy
11. Garcia-Parra et al.
12. Harvey and Lusch
13. Intellectual Liabilities
14. Majdalany and Manassian
15. Stam
16. Canˆibano et al.
17. Cooper
18. Webster and Watson
19. Hopper and Powell
20. Kaufmann and Schneider
21. Seetharaman et al.
22. Rom and Rohde
23. Ryan et al
24. Cuganesan
25. Braˆnnstroˆm and Giuliani
26. Viedma Marti
27. Abeysekera
28. Braˆnnstroˆm et al.
29. Arend
30. Sveiby
31. Ahonen
32. Groˆjter
33. Kupi et al.
34. Passov
35. Rosett
36. Kaplan and Norton
37. Harvey and Lusch
38. Dumay and Rooney

- \* Petty, R. and Guthrie, J. (2000), "Intellectual capital literature review, measuring, reporting and management", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 1 No. 2, pp. 155-176.
- \* Rosett, J.G. (2003), "Labour leverage, equity risk and corporate policy choice", *European Accounting Review*, Vol. 12 No. 4, pp. 699-732.
- \* Stam, C.D. (2009), "Intellectual liabilities: lessons from the decline and fall of the Roman empire", *VINE: The Journal of Information and Knowledge Management Systems*, Vol. 39 No. 1, pp. 92-104.
- \* Stewart, T.A. (1997), *Intellectual Capital*, Bantam Doubleday Dell Publishing Group, New York, NY.